

<p>تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰ شماره: ۰۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۰۳۳۸-۱۵۸۷۵ دور مور مشترکین: ۰۸۷۶۸۸۰۰</p> <p>چاپ: چاپخانه‌های همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دایرنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>	
<p>صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی سردبیر: کمیل نقیپور</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳:۰۷ اذان مغرب ۴:۰۴ نیمه شب شرعی ۲۲:۰۰ اذان صبح فردا ۵:۰۰ طلوع آفتاب فردا ۶:۲۹</p>	
<p>پیامبر اکرم (ص): بنده با خوش اخلاقی به مقام روزه گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.</p>	
<p>سخن روز</p>	<p>بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۷۳</p>

نگاره

نیما شاه‌میری

هوی آب را داشته باشیم

دعوت سینماگران به حضور در سالن‌های سینما، اطلاع‌رسانی درباره تازه‌ترین‌های شبکه نمایش خانگی، بازار داغ کنسرت خواننده‌های سرشناس ایرانی در خارج از کشور و موقعیت‌های تازه بازار نشر را می‌توان در فعالیت‌های تازه اهالی این حوزه در فضای مجازی مشاهده کرد.

هنرمندان
در فضای
مجازی

■ دعوت سینماگران به سالن سینما

فضای مجازی چند وقتی است به یکی از مراجع اصلی اهالی سینما برای اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های تازه‌شان و تبلیغات فیلم‌های روی پرده تبدیل شده است. در رصد پست‌های اینستاگرامی آنها می‌توان در جریان این فعالیت‌ها قرار گرفت.

یکتنا ناصر که در اولین تجربه کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا حضوری متفاوت داشته، تصویری از فیلم «شب طلایی» را به اشتراک گذاشته و به گرم متفاوتش در این فیلم اشاره کرده است. حسن معجونی، مریم سعادت، مسعود کرامتی، بهناز جعفری، سوگل خلیق، سینا رازانی و... در این فیلم به تهیه‌کنندگی ابراهیم حاتمی‌کیا حضور دارند.

هونت شکبیا با انتشار تیزر فیلم سینمایی «ایلیق» ترگس آپیار، نوشته که این فیلم پس از کسب سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، حالا در آکران هم موفق بوده و رکورد دومین افتتاحیه سینمای ایران را شکسته است. طبق اطلاعات منتشر شده در صفحه اینستاگرام او این فیلم در ۳ روز نخست نمایش عمومی بیش از یک میلیارد و ۶۳۶ میلیون فروش داشته است.

بهاره کیان‌افشار دنبال‌کنندگان صفحه اینستاگرامش را به تماشای «رؤیای سهراب» در سینماها دعوت کرده و از آنها خواسته است پس از تماشای فیلم نظراتشان را با بقیه به اشتراک بگذارند. این فیلم به نویسندگی و کارگردانی علی قوی‌تن، روایتی از زندگی سهراب سپهری، شاعر و نقاش معاصر است که برای نخستین مرتبه در سینمای ایران به تصویر کشیده شده است. علی قوی‌تن، بهاره کیان‌افشار، ترلان پروانه، مهدی سلطانی، لاله اسکندری و... از بازیگران این فیلم هستند.

ماهور الوند از حضور نسرين نصرتی در نقش پروین فرشپاف در سریال «بی‌گناه» خبر داده است. این سریال از تولیدات تازه شبکه نمایش خانگی است و کارگردانی آن را مهران احمدی و تهیه‌کنندگی اش را مصطفی کیایی عهده‌دار هستند. باران احمدی، ماهر الوند، آتیلا پسیانی، رؤیا تیموریان، مهران احمدی، مهران مهبین‌ترابی، ویشکا آسایش، مسعود رایگان، شبنم مقدمی و... از دیگر بازیگران این سریال هستند.

لیندا کیانی مخاطبانش را به تماشای سریال «خون سرد» دعوت کرده است. در این سریال که اولین قسمت آن منتشر شده است، امیر آقایی، شهرام حقیقت‌دوست، سارا بهرامی، سارا رسول‌زاده و... حضور دارند. سریال پلیسی‌جنایی «خون سرد» به کارگردانی امیرحسین ترابی داستان فردی است که عاملین پرونده‌های زن آزاری را در دام انداخته و به مجازات می‌رساند.

■ بازار داغ کنسرت‌ها در خارج از ایران

اهالی موسیقی بویژه خوانندگان مطرح پس از یک دوره شلوغ برگزاری کنسرت در شهرهای مختلف ایران با آغاز ماه محرم و صفر و تعطیلی این دست فعالیت‌ها و پس از پشت‌سر گذاشتن ایام عزاداری امام حسین (ع) اجراهایشان در خارج از ایران را آغاز کرده‌اند.

علیرضا عصار خواننده سرشناس موسیقی پاپ از برگزاری کنسرت در کانادا خبر داده است. او ۱۵ و ۱۶ اکتبر در تورنتو و ونکوور کانادا به روی صحنه می‌رود. گفتنی است در این اجرا گروه بیگ بند به لیدری پویا نیک‌پور، علیرضا عصار را همراهی خواهند کرد.

رضا بهرام هم اعلام کرده قرار است در ماه اکتبر تور کنسرت‌هایش را در شهرهای مختلف استرالیا از جمله سیدنی، ملبورن، بریزبن، آدلاید و پرت برگزار کند.

همایون شجریان پس از رکورد جدیدی که در فروش بلیت کنسرت خود بر جای گذاشت، اکنون تور کنسرت جهانی ۲۰۲۲ خود را از شهرهای تورنتو و ونکوور کانادا آغاز نموده و پس از اجرای کنسرت در سیدنی و ملبورن به اروپا سفر خواهد کرد. کنسرت بزرگ همایون شجریان به همراه ارکستر سیابوش، به رهبری آرش گوران، در روزهای ۲۳ سپتامبر(اول مهر) در ملبورن و ۲۴ سپتامبر در سیدنی برگزار خواهد شد.

احسان خواجه‌امیری هم از برگزاری کنسرت تازه‌اش در ونکوور و تورنتو کانادا در ماه دسامبر خبر داده و نوشته: «به امید خدا روی ماهتون رو در کانادا خواهیم دید. در این کنسرت قرار هست زیاد بترکونیم».

■ تازه‌های نشر و موقعیت‌هایش

شورای کتاب کودک اسامی کتاب‌های برگزیده و شایان تقدیر منتشر شده در سال ۱۳۹۹ را اعلام کرد. به همین بهانه اهالی حوزه کتاب بخصوص فعالان حوزه کودک در پیام‌های اینستاگرامی به برگزیدگان تبریک گفتند.

عبدالحکیم بهار برگزیده شدن کتاب «پشت خوارگر» به‌عنوان کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در سال ۱۳۹۹ در بخش داستان را تبریک گفته است. نشان ماهی سیاه کوچولو به این نوشته آرمان آرین، از نشراق‌فعلی تعلق گرفته است. او اظهار امیدواری کرده همه جوانان و جوانان ایرانی لذت خواندن این رمان فانتزی و اسطوره‌ای را تجربه کنند.

محمدرضا شمس نویسنده، پژوهشگر و مدرس ادبیات کودک و نوجوان نیز با بازنشر کردن پست اینستاگرامی انتشارات طوطی اعلام کرده در این فهرست نام ۷ عنوان از کتاب‌های طوطی دیده می‌شود.

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر:
کمیل نقیپور

اذان ظهر ۱۳:۰۷ | اذان مغرب ۴:۰۴ | نیمه شب شرعی ۲۲:۰۰ | اذان صبح فردا ۵:۰۰ | طلوع آفتاب فردا ۶:۲۹

پیامبر اکرم (ص):

بنده با خوش اخلاقی به مقام روزه گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.

سخن روز

بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۷۳

<p>تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰۰ شماره: ۰۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۰۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۰۳۳۸-۱۵۸۷۵ دور مور مشترکین: ۰۸۷۶۸۸۰۰</p> <p>چاپ: چاپخانه‌های همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دایرنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>	
<p>صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی سردبیر: کمیل نقیپور</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳:۰۷ اذان مغرب ۴:۰۴ نیمه شب شرعی ۲۲:۰۰ اذان صبح فردا ۵:۰۰ طلوع آفتاب فردا ۶:۲۹</p>	
<p>پیامبر اکرم (ص): بنده با خوش اخلاقی به مقام روزه گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.</p>	
<p>سخن روز</p>	<p>بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۷۳</p>

گرفتار شدن برخی اصطلاحات وارداتی به تعریف‌های اشتباه!

رضا آشفته
مشقد

دراماتورژی از آن دست واژگان و اصطلاحات وارداتی است که هنوز با برگردان فارسی درست و نیز کاربرد دقیق در خدمت تئاتر ما قرار نگرفته است. بیشتر حکم یک پز، ادا و حتی کلمه اضافی را دارد که کارگردانان تئاتر به عنوان خود پیوست می‌کنند. کافی است به دوسه تعریف عمده کاربردی آن در طول تاریخ نظر بیندازیم تا درپایم که چقدر این اشتباه می‌تواند پررنگ شده و فقط در حد یک واژه سنگین و دهن پرکن در خدمت کار قرار بگیرد، بی‌آنکه حتی از معنای درست و اصالت وجودی برخوردار باشد.

واژه دراماتورژی را نخستین بار لسینگ در زمان همکاری‌اش با تئاتر ملی هامبورگ در سال ۱۷۶۷ به کار گرفت. منظور لسینگ از دراماتورژی و شخص دراماتورژ کسی بود که شخصاً به دنبال نمایشنامه مناسب می‌گردد، آن را ترجمه می‌کند، در طول تمرینات همواره کنار کارگردان حضور دارد، نظرات خود را به گروه و کارگردان ارائه می‌دهد و پس از اجرای نمایش هم آن را نقد می‌کند. دراماتورژ می‌تواند به شناسایی، تحلیل و بحث کردن پیرامون تمام جنبه‌های پروسه آفرینش تئاتر بپردازد و این توانایی خود می‌تواند موجب بحث و فتح باب‌های جدیدی در مناظرات و مباحثات باشد. توان و کامیابی دراماتورژ در مقام یک میانجی در گفت‌وگوها نشان‌دهنده این است که توان کارکردی او در آمیختن سبویه اندیشگانی و کارکردی، ابزاری است برای پیاده‌سازی و خلق آن چیزی که برشت آن را «تئاتر اپیک» می‌نامد. برای برشت، دراماتورژ عنصری ضروری است که ایندولوژی مارکسیستی را با وجه عملی هنر نمایش پیوند می‌دهد و درواقع عنصری سهولت بخش است که ارتباط دیالکتیک جدیدی را که برشت از آن سخن می‌گوید ممکن می‌سازد. البته دراماتورژی یک تعریف تازه‌تر از اینها هم دارد که «یرژی

واقعیت مجازی در زندگی امروز جالباز کرده...

ترانه وفایی
نویسنده و مترجم

شاید اگر خودم مستقیماً با او صحبت نکرده بودم، اینچنین به فکر فرو نمی‌رفتم و حتی باورش برام سخت بود. اما مکالمه‌ای که می‌خوانید واقعاً بین ما شکل گرفت. در همین تهران بزرگ!

-داری چه کار می‌کنی؟ مزاحم شدم؟
-بخشیدش دارم بسته اینترنتی می‌خرم!

-چرا اینجا کنار سطل زباله؟
-داشتم از داخل زباله‌ها ظرف و این چیزا جمع می‌کردم، دیدم الآن جلسه شروع می‌شه و من شارژ نکردم!

تاکسی‌ای که منتظر بود عجله می‌کرد و من عجله داشتم. از طرفی هم نمی‌توانستم از دور او شوم. در حالی که دور می‌شدم از او پرسیدم:

-مدیریت چی؟
- حسیسیت خانم جان، مدیریت!
نشد بیشتر پرسم. خوب هم شد! چون هم مزاحم کارش می‌شدم هم لزومی نداشت! چیزی را که برابم جالب بود دریافت بودم. دستی برایش تکان دادم و با لبخند رضایت دور شدم.

با خودم فکر می‌کردم قبلاً امکان نداشت چنین فردی بتواند به این راحتی‌ها در جلسه‌ای آن هم مدیریتی شرکت کند! بگذریم از مسائل جانبی اما کمترینش زمان کافی نداشتن و پرداخت هزینه‌های زیاد شرکت‌کننده‌ها، مانع از این کار می‌شد حتی اگر رخت و لباس فرد علاقه‌مند تمیز بود و کیف دستی‌اش لایق گذاردن دور مدیریت!

قصه من تحلیل با بررسی چرایی‌های این مقوله نیست. مساله مورد نظر من داشتن «امکان» استفاده است. دیگر کسی نمی‌تواند به این مرد جوان بگوید چرا با این وضعیتش موبایل هوشمند دارد و منتظر جلسه مورد نظرش است.

از طرف دیگر، درست است اشاره کنیم که درست است دوره کرونا و قرنطینه‌هایش باعث استفاده خلاقانه و بهینه تکنولوژی‌ای را که در برخی بستوها فقط آشکار می‌شد در اختیار مخاطب بیشتری قرار داد، اما دیر یا زود باید این اتفاق می‌افتاد! وضعیت اقتصادی، زمان بندی، در اختیار داشتن نیروی انسانی مناسب، داشتن محل درخرو و... همه از عواملی هستند که برگزاری دوره‌ها و همایش‌ها و جلسات مختلف را که در اکثر موارد در ایران به‌صورت غیر مجازی تشکیل می‌شدند در مقایسه با جلسات مجازی در حال برگزاری فعلی، مشکل‌تر می‌کرد. مخصوصاً که هنوز با مساله شیوع کرونا درگیر هستیم...

اما اگر روزی این ویروس هم به شکل خفیفش با ما همزیستی کند یا کاملاً رخت بر بندد، تصور من بر این است که این نوع تعامل و تبادل مجازی روز به روز گسترده‌تر خواهد شد. واقعیت مجازی بین ما با زور کرده است. نسلی که حاضر به قبول آن نبود، انزوا را نیز نمی‌پذیرد. به تقاضای مخاطبش پاسخ مثبت می‌دهد و مجازی جلساتش را برگزار می‌کند. در پی نظر سنجی‌ای که از دبستانی‌ها، دبیرستانی‌ها و دانشجویان و سپس استادها در یک دانشگاه انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که همگی موافق نظام نمایش مجازی هستند اما روابط انسانی را نیز می‌خواهند! کوچک و بزرگ هم این را می‌خواستند هم.

آن را! یقین دارم در آینده‌ای نزدیک تعادلی برقرار خواهد شد. تعادلی که بتواند رضایت نسبی افراد را جلب کند تا از این دوره انتقالی بگذرد و با این روش تعامل، به گونه‌ای دیگر برخورد کنند. اما نه تعادلی از جنس قبل از کرونا. تعادلی متناسب با رتبه‌بندی مجازی و سپس غیر مجازی برای بسیاری از جلسات. وینایاها!

شاید اگر به این فکر کنیم که چقدر از مخارج مادی و معنوی نه لازم بوده‌اند و نه کافی، بهتر بتوانیم به برخی نکات منفی آن بپردازیم و برایش چاره‌ای بیندیشیم!

ضربانگ‌های شور انگیز در «شکوه وطن»

رضا مهدوی
موسیقی‌پژوه و
نوازنده سنتور

مجموعه «شکوه وطن» با قطعه «ساقی ماهرو» مقدمه‌وار در عین حال پیش در آمدگونه و در حقیقت در فرم شکلی تصنیف، به آرامی خوندنمایی می‌کند و در جایگاه صدای گرم و نرم حسام‌الدین سراج، حس و حالی متین و وزین دارد که از ابتدای انقلاب مردم ایران با صدای پخته و مؤثرش در آلبوم‌های «بنیوا» و «آشنا شدند. حال و هوای آنسامبل ارکستر نتدای همان دوران را دارد که سال‌هاست وقفه‌اش احساس می‌شود در این هیاهوی موسیقی‌های پرزرق و برق مختلف، که به‌اصطلاح دنبال تجربه و خلق فضاهای نوین‌اند... البته گاه خود سراج هم آگاهانه با ناخودآگاه

در دوره‌هایی دچارش بوده... در اواسط قطعه ساقی ماهرو که از محیط نرم و آرام می‌رسیم به ادامه‌ای ضربی با شور و نشاط ریتم‌بندی شده اشعار مولانا به نسبت ابیات و مفاهیم عرفانی و نهاییت اوج پایان می‌پذیرد.

قطعه دوم «یاده جان» با شعر حضرت مولانا ریتم ملایم همراه با سه ضرب‌ای، قدرت ملایمی را به گوش هوش شنیداران معطوف می‌کند و در جای جای آهنگ‌ها بجا و درست همخوانان نیز نقش آفرینی دارند که رنگ و لعاب لازم این گونه فرهنگ شنیداری است مختص مشرق زمین در فرم و شکل موسیقی ملی ایران که چفت و بست می‌یابد. در قطعه سوم «ساز و آواز- سوار صبح»، سنتور نوازی زیبا و دلنشینی شنیده می‌شود که در ادامه ملودی و ریتم قطعه قبلی است و سپس آوازخوانی و بزم‌خوانی سراج با شعری از مهیار کاوه آغاز می‌شود. آهنگ چهارم «برشانی» برگرفته از یک موسیقی محلی است آمیخته با شعر حضرت حافظ و در زمان نسبت کوتاه، ولی سیراز و شور و نشاط پاتنی برخاسته از مفاهیم شعری که رهنمون می‌سازد به آمیختگی فضای عرفانی نهفته در فرهنگ هنر ایرانی. هم‌پوشانی دقیق نوازندگان در کنار صدای خواننده و گروه همخوان، هوای تازه‌ای در شنیدار کل مجموعه «شکوه وطن» ایجاد می‌کند که نشان از هدف مشخصی دارد. برای رسیدن به اصواتی که موسیقی و کلام خوب را در اعتلای ماندگاری این نوع ارائه از موسیقی ایرانی که از گذشته‌ها به نیکی آمده

تا به امروز، تبیین سازد. قطعه پنجم «سازو آواز» است که همچنان نوازنده تکنیک‌کار و با احساس در جواب خواننده شعر اخوان ثالث را از مایه‌ای به مایه دیگری می‌کشاند و تنوعی شنیداری را به ارمغان دارند. قطعه آخر «شکوه وطن» با شعر مهیار کاوه است که در نوروز اسما در تلویزیون، اجرایی آن را با حضور حسام‌الدین سراج دیدیم... سراج خواننده‌ای است که صدای گرم و پاپینش به مراتب دلچسب‌تر از بالاخوانی‌هایش است همان‌گونه که غلامحسین بنان وقوف داشت که مردم با صدای پایین لذت‌مندتری می‌شوند... آهنگ ترانه «شکوه

وطن» با بند «ای وطن ای وطن» در مایه‌ای حماسی از دستگاه‌های موسیقی ایرانی متدترانه و امیوارانه از شکوه و جمال و حلال وطن به زیبایی می‌گوید. در بخشی از نوشته سراج در جلد آلبوم آمده: ایران عزیز ما، این روزها در حال گذار از جاده‌های پر نشیب و فراز تاریخ خویش است. امید که بتوانیم، با عشق و مهرورزی به ایران و ایرانیان، هوشمندانه سبب‌ساز سربلندی و شکوه وطن باشیم. نوازندگان نامی این مجموعه این هنرمنان هستند: داود وزیده‌ن(ن)، مسعود حبیبی(دف)، محمود فرومند(تنگ)، مسعود آراش(مقدم(سنتور)، صابر سوری(عود)، سینا جهان‌آبادی (کمانچه) و بهرام خانی (تار و بتمار).

■ **شکوه وطن، آهنگ و خواننده: دکتر حسام‌الدین سراج، نوازنده: صاحب‌الارسلان ۱۳۹۰**

روبه دیوار



رضا آشفته منتقد

دراماتورژی از آن دست واژگان و اصطلاحات وارداتی است که هنوز با برگردان فارسی درست و نیز کاربرد دقیق در خدمت تئاتر ما قرار نگرفته است. بیشتر حکم یک پز، ادا و حتی کلمه اضافی را دارد که کارگردانان تئاتر به عنوان خود پیوست می‌کنند. کافی است به دوسه تعریف عمده کاربردی آن در طول تاریخ نظر بیندازیم تا دریابیم که چقدر این اشتباه می‌تواند پررنگ شده و فقط در حد یک واژه سنگین و دهن پرکن در خدمت کار قرار بگیرد، بی‌آنکه حتی از معنای درست و اصالت وجودی برخوردار باشد.

واژه دراماتورژی را نخستین بار لسینگ در زمان همکاری‌اش با تئاتر ملی هامبورگ در سال ۱۷۶۷ به کار گرفت. منظور لسینگ از دراماتورژی و شخص دراماتورژ کسی بود که شخصا به دنبال نمایشنامه مناسب می‌گردد، آن را ترجمه می‌کند، در طول تمرینات همواره کنار کارگردان حضور دارد، نظرات خود را به گروه و کارگردان ارائه می‌دهد و پس از اجرای نمایش هم آن را نقد می‌کند.

دراماتورژ می‌تواند به شناسایی، تحلیل و بحث کردن پیرامون تمام جنبه‌های پروسه آفرینش تئاتر بپردازد و این توانایی خود می‌تواند موجب بحث و فتح باب‌های جدیدی در مناظرات و مباحثات باشد. توان و کامیابی دراماتورژ در مقام یک میانجی در گفتمان‌ها نشان‌دهنده این است که توان کارکردی او در آمیختن سویه اندیشگانی و کارکردی، ابزاری است برای پیاده‌سازی و خلق آن چیز که برشت آن را «تئاتر آپیک» می‌نامد. برای برشت، دراماتورژ عنصری ضروری است که ایدئولوژی مارکسیستی را با وجه عملی هنر نمایش پیوند می‌دهد و درواقع عنصری سهولت بخش است که ارتباط دیالکتیک جدیدی را که برشت از آن سخن می‌گوید ممکن می‌سازد.

البته دراماتورژی یک تعریف تازه‌تر از اینها هم دارد که «پژری

واقیت مجازی در زندگی امروز جاباز کرده...

شاید اگر خودم مستقیماً با او صحبت نکرده بودم، اینچنین به فکر فرو نمی‌رفتم و حتی باورش برابم سخت بود. اما مکالمه‌ای که می‌خوانید واقعاً بین ما شکل گرفت. در همین تهران بزرگ!

-داری چه کار می‌کنی؟ مزاحم شدم؟ -بی‌خشید دارم بسته اینترنتی می‌خرم!

-چرا اینجا کنار سطل زباله؟

-داشتم از داخل زباله‌ها ظرف و این چیزا جمع می‌کردم، دیدم آلآن جلسه شروع می‌شه و من شارژ نکردم!

تاکسی‌ای که منتظرم بود عجله می‌کرد و من عجله داشتم. از طرفی فکر نمی‌توانستم از او دور شوم. در حالی که دور می‌شدم از او پرسیدم:

- جلسه چی؟

- مدیریت خاتم جان، مدیریت!

نشد بیشتر پرسم. خوب هم شد! چون هم مزاحم کارش می‌شدم هم لزومی نداشت! چیزی را که برابم جالب بود درافته بودم. دستی برایش تکان دادم و با لبخند رضایت دور شدم.

با خودم فکر می‌کردم قبلاً امکان نداشت چنین فردی بتواند به این راحتی‌ها در جلسه‌ای آن هم مدیریتی شرکت کند! بگذریم از مسائل جانبی اما کمترینش زمان کافی نداشتن و پرداخت هزینه‌های زیاد شرکت‌کننده‌ها، مانع از این کار می‌شد حتی اگر رخت و لباس فرد علاقه‌مند تمیز بود و کیف دستی‌اش لایق گذراندن دوره مدیریت!

قصد من تحلیل یا بررسی چرایی‌های این مقوله نیست. مساله مورد نظر من داشتن «امکان» استفاده است. دیگر کسی نمی‌تواند به این مرد جوان بگوید چرا با این وضعیتش موبایل هوشمند دارد و منتظر جلسه مورد نظرش است.

از طرف دیگر، خوب است اشاره کنیم که درست است دوره کرونا و قرنطینه‌هایش باعث استفاده خلاقانه و بهینه تکنولوژی‌ای را که در برخی پستوها فقط آشکار می‌شد در اختیار مخاطب بیشتری قرار داد، اما دیر یا زود باید این اتفاق می‌افتاد! وضعیت اقتصادی، زمان بندی، در اختیار داشتن نیروی انسانی مناسب، داشتن محل درخور و... همه از عواملی هستند که برگزاری دوره‌ها و همایش‌ها و جلسات مختلف را که در اکثر موارد در ایران به‌صورت غیر مجازی تشکیل می‌شدند در مقاصد ما جلسات مجازی در حال برگزاری فعلی، مشکل‌تر می‌کرد. مخصوصاً که هنوز با مساله شیوع کرونا درگیر هستیم... اما اگر روزی این ویروس هم به شکل خفیفش با ما همزیستی کند یا کاملاً رخت بر بندد، تصور من بر این است که این نوع تعامل و تبادل مجازی روز به روز گسترده‌تر خواهد شد. واقعیت مجازی بین ما جاب‌از کرده است. نسلی که حاضر به قبول آن نبود، آنزوا را نیز نمی‌پذیرد. به تقاضای مخاطبش پاسخ مثبت می‌دهد و مجازی جلساتش را برگزار می‌کند. در بی نظر سنجی‌ای که از دستبانی‌ها، دبیرستانی‌ها و دانشجویان و سپس استادها در یک دانشگاه انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که همگی موافق نظام مجازی هستند اما روابط انسانی را نیز می‌خواهند! کوچک و بزرگ هم این را می‌خواستند هم آن را! یقین دارم در آینده‌ای نزدیک تعادلی برقرار خواهد شد.

تعادلی که بتواند رضایت نسبی افراد را جلب کند تا از این دوره انتقالی بگذرند و با این روش تعامل، به گونه‌ای دیگر برخورد کنند. اما نه تعادلی از جنس قبل از کرونا. تعادلی متناسب با رتبه‌بندی مجازی و سپس غیر مجازی برای بسیاری از جلسات. وبیناها!

شاید اگر به این فکر کنیم که چقدر از مخارج مادی و معنوی نه لازم بوده‌اند و نه کافی، بهتر بتوانیم به برخی نکات منفی آن بپردازیم و برایش چاره‌ای بیندیشیم!

تعامل با تمام نهادها برای رشد ادبیات کودک

عباس جهانگیریان:هنوز کرونا به‌صورت کامل نرفته اما تلاش می‌کنیم در وضعیت عادی، کار انجمن نویسندگان کودک و نوجوان را پیش ببریم، اگر امکان‌پذیر بود جلسات را به‌صورت حضوری برگزار می‌کنیم و اگر امکان‌پذیر نبود، مجازی. آنچه الان در نظر داریم و می‌خواهیم دنبال کنیم این است که پلی به نهادهای مدنی و دولتی بزنیم و با آنها در هرزمینه‌ای که به رشد ادبیات کودک و تأمین حقوق نویسندگان کمک کند، تعامل و همکاری داشته باشیم. فکر می‌کنم اتفاق‌های خوبی در این دوره بیفتد زیرا از وضعیت خطرناک کرونا تا حدودی خارج شده‌ایم و ترکیب جدید هیأت مدیره نیز ترکیب خوبی است، همه‌مان با ایده‌های خوبی آمده‌ایم و من افق خوبی را پیش روی انجمن می‌بینم.

بخشی از گفته‌های رئیس جدید هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در ایسنا

گرفتار شدن برخی اصطلاحات وارداتی به تعریف‌های اشتباه!

گروتفسکی»، کارگردان شاخص تئاتر تجربی در جهان آن را در مدار پژوهش تعریف می‌کند و تأکید دارد دراماتورژ یک پژوهشگر مسلط بر تئاتر است که برای بهتر شدن اجرا دست به هر نوع پژوهشی خواهد زد، فردی که با تلاش او یک گروه بتوانند در بستر نوآورانه‌تر و چند سویه‌تری کارشان را به صحنه بیاورند.

با همین مختصر درمی‌یابیم اینکه کارگردان یا نویسنده‌ای در نامگذاری یک اجرا خود را دراماتورژ می‌شناساند چقدر می‌تواند دور از واقع باشد. انگار ما هنوز دوست داریم با دارندگی نام‌ها و نشان‌ها خود بیشتری نشان دهیم و این خودش نشانه یک خودشیفتگی بیش از اندازه است که نه‌تنها کمکی به حال اجرا نمی‌کند بلکه در مدار همان اشکالات احتمالی همچنان باقی مانده است. باید در تمام موارد نفر سومی در برابر نویسنده و کارگردان و حتی دیگر عوامل و عناصر اجرا قرار گرفته باشد که با چالشگری او همه چیز با غربالگری مطمئن‌تری همراه شود. وگرنه اشکالات ریز و درشت با احتمال بیشتری به کار پیوست خواهند شد. ما نیازمند یک اجرای شسته رفته‌تر هستیم و باید که همه عوامل از منظر فردی حساس و بادانش به چالش در آمده باشند.

نباید اصطلاحات وارداتی با چنین تعریف‌های من درآوردی از حقیقت خود دور مانند ما را از بیخ و بن با چیزی متفاوت همراه کند. دراماتورژی باید مکمل و کمک حال کارگردان باشد. با اینکه هر کارگردانی نیازمند تحلیل و پژوهشی در حد لازم برای اجرای خود است اما به چالش کشیدن همین نگاه و توانایی خود بهترین انگیزه برای گذر از تردیدها و اشتباه‌های پیش‌رو و شاید هم ایستایی‌های غیر ضروری باشد.

در عرصه تئاترمان برای پیشرفت هرچه بیشتر و در مدار درست قرار گرفتن باید همه چیز بنابر همان استانداردهای جهانی لحاظ شود و کارآمدی در این راه به یقین پیرو رعایت اصول و ویژگی‌های هر نوع اصطلاح و کارکردی است؛ این بهترین برخورد با سازوکارهای خوب، برای هم‌ترازی با تئاتر جهان است.

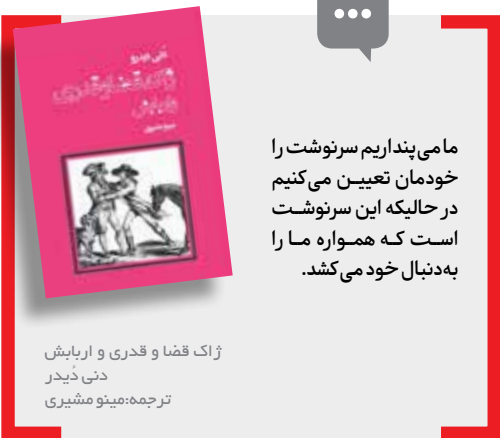
ضربانگ‌های شور انگیزدر

«شکوه وطن»

مجموعه «شکوه وطن» با قطعه «ساقی ماهرو» مقدمه‌وار و در عین حال پیش درآمگونه و در حقیقت در فرم شکلی تصنیف، به آرامی خودنمایی می‌کند و در جایگاه صدای گرم و نرم حسام‌الدین سراج، حس و حالی مثبت و روئین دارد که از ابتدای انقلاب مردم ایران با صدای پخته و مؤثرش در آلبوم‌های «نیویاز ۱ و ۲» آشنا شدند. حال و هوای آنسامیل ارکستر نداعی همان دوران را دارد که سال‌ها است وقعه‌اش احساس می‌شود در این هیاهوی موسیقی‌های پرزرق و برق مختلف، که به‌اصطلاح دنبال تجربه و خلق فضاهای نوین‌اند... البته خود سراج هم آگاهانه یا ناخودگاه در دوره‌هایی دچارش بوده. در اواسط قطعه ساقی ماهرو که از محیط نرم و آرام می‌رسیم به ادامه‌ای ضربی با شور و نشاط ریتم‌بندی شده اشعار مولانا به نسبت ابیات و مفاهیم عرفانی و نهایت اوج پایان می‌پذیرد.

قطعه دوم «باده جان» با شعر حضرت مولانا ریتم ملایم همراه با سه ضرب‌ای، قدرت ملایمی را به گوش هوش شنیداران معطوف می‌کند و در جای جای آهنگ‌ها بجا و درست همخوانان نیز نقش آفرینی دارند که رنگ و لعاب لازم این گونه فرهنگ شنیداری است مختص مشرق زمین در فرم و شکل موسیقی ملی ایران که چفت و بست می‌یابد. در قطعه سوم «ساز و آواز- سوار صبح»، سننور نوازی زیبا و دلنشینی شنیده می‌شود که درآدمه ملودی و ریتم قطعه قبلی است و سپس آوازخوانی و بیم‌خوانی سراج با شعرای از مهباز کاوه آغاز می‌شود. آهنگ چهارم «پریشانی»

برگرفته از یک موسیقی محلی است آمیخته با شعر حضرت حافظ و در زمان نسبتاً کوتاه، ولی سرریز از شور و شولایی و نشاط پاتنی برخاسته از مفاهیم شعری که رهنمون می‌سازد به آمیختگی فضای عرفانی نهفته در فرهنگ و هنر ایرانی. هم‌پوشانی دقیق نوازندگان در کنار صدای خواننده و گروه همخوان، هوای تازه‌ای در شنیدار کل مجموعه «شکوه وطن» ایجاد می‌کند که نشان از هدف مشخصی دارد. برای رسیدن به اصواتی که موسیقی و کلام خوب را در اعتلای ماندگاری این نوع ارائه از موسیقی ایرانی که از گذشته‌ها به نیکی آمده تا به امروز، تبیین سازد. قطعه پنجم «سازو آواز» است که همچنان نوازنده تکنیک‌کار و بااحساس در جواب خواننده شعر اخوان ثالث را از مایه‌ای به مایه دیگری می‌کشاندند وتوعی شنیداری را به ارماغن دارند. قطعه آخر «شکوه وطن» با شعر مهاباز کاوه است که در نوروز امسال در تلویزیون، اجرائی از آن را با حضور حسام‌الدین سراج دیدیم... سراج خواننده‌ای است که صدای گرم و پاپینش به مراتب دلچسب‌تر از بالاخوانی‌هایش است همان‌گونه که غلامحسین بنان وقوف داشت که مردم با صدای پایین لذتمندتر می‌شوند... آهنگ ترانه «شکوه وطن» با بند «ای وطن ای وطن» در مایه‌ای حماسی از دستگاه‌های موسیقی ایرانی مقتدرانه و امیدوارانه از شکوه و جمال و وطن به زیبایی می‌گوید. در بخشی از نوشته سراج در جلد آلبوم آمده: ایران عزیز ما، این روزها در حال گذار از جاده‌های پر نشیب و فراز تاریخ خویش است. امید که بتوانیم، با عشق و مهرورزی به ایران و ایرانیان، هوشمندانه سب‌ساز سربلندی و شکوه وطن باشیم. نوازندگان نامی این مجموعه این هنرمندان هستند: داود روزبیده(نی)، مسعودحبیبی(داف)،محمود فرهنگند(تنتیک)،مسعود آرامش(مقدم(سننور)، صابر سوری(عود)، سینا جهان‌آبادی (کمانچه) و بهرام خانی (تار و بمتار).



ما می‌پنداریم سرنوشت را
خودمان تعیین می‌کنیم
در حالیکه این سرنوشت
است که همواره ما را
به‌دنبال خود می‌کشد.

ژاک قضا و قدری و اربابش
دنی دیدر
ترجمه:مینو مشیری

غرور مانع جدی خود آگاهی

خودآگاهی (consciousness) آگاهی و شناخت درست از احساسات، ادراکات، عواطف، افکار و هویت درونی و بیرونی خود (من) است. در مهارت خودآگاهی افراد می‌توانند توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، استعدادها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، انتظارات، ترس‌ها و نگرانی‌های خود را بشناسند و درک درستی از خود و ماهیت اصلی خود به دست آورند. پیش‌تر در این

باره سخن گفته‌ایم، اما موانع خودآگاهی چیست؟ چه چیزهایی مانع از رسیدن ما به خودآگاهی می‌شوند.

توقعات و انتظارات بیش از حد اولین مانع رسیدن به خودآگاهی است. اولین علامت، توقعات نابجا و بیش از حد خودخواهانه است. دومین علامت این است که بدون تلاش و برداشتن قدمی، انتظارات‌مان برآورده شوند. سومین علامت تضاد بین توقعات و انتظارات ما است. یکی دیگر از اثرات مضر توقعات نابجا، احساس خستگی و تبلی مزمن و دائمی است که هرازگاهی فرد آن را بروز می‌دهد.

کمال طلبی نیز مانعی دیگر در این مسیر است. این مهم به افکار و رفتارهای خودتخریب‌گرایانه‌ای اشاره می‌کند که هدف آنها رسیدن به هدف‌های شدت افراطی و غیرواقع‌گرایانه است که در آن صورت، فرد به جای حرکت در مسیر موفقیت، سعی می‌کند کامل باشد.

غرورها شاید مانع‌های جدی‌تری باشند. متأسفانه ظاهراً اعتمادبه‌نفس و غرور شبیه یکدیگر هستند و انگار هیچ تفاوتی بین آنها نیست؛ در صورتی که می‌توان گفت غرور احساس بدی است که شدت انسان را آسیب‌پذیر و مستعد رنجش‌های بیجا می‌کند.

در ادامه نگاهی داریم به انواع غرور:

۱.غرور عقل و اراده: کسی که دانسته یا ندانسته در ذهن خود فکر کند قادر به حل تمام مشکلات و حتی پیش‌بینی وقایع است.

۲.غرور خودبزرگ‌بینی یا مهم بودن: کسی که به طور غیرواقعی خود را خیلی مهم و بزرگ بداند.

۳.غرور خواستنی بودن یا محبوب بودن: کسی که در فکر خود قادر است هر کسی را که بخواهد، عاشق و شیفته خود کند.

۴.غرور آزادی مطلق: کسی که به هر نوع کار و تکلیفی، به صورت بایدها و نبایدها، حساسیت دارد.

۵.غرور شجاعت: بیشتر گریبانگیر اشخاص ترسو است و این افراد بیشتر لاف شجاعت می‌زنند.

۶.غرور درستی و عدالت: فرد در مقابل افرادی که نسبت به راستگویی و درستکاری او کمترین شکی داشته باشند عصبانی می‌شود و در زمانی که مطمئن باشد کسی متوجه رفتار او نمی‌شود، از هیچ‌گونه نادرستی و بی‌انصافی دریغ نمی‌کند.

حالا که این موارد را مرور کردیم باید بدانیم برای رسیدن به خودآگاهی سه کلیدواژه اصلی داریم: پذیرش خود، پذیرش دیگران و قبول مسئولیت. پذیرش خود یکی از عوامل مؤثر در رشد مهارت خودآگاهی است. خودمان را با تمام نقاط قوت و ضعف‌مان بپذیریم و دوست داشته باشیم. مسلماً عوامل متعددی در چگونگی پذیرفتن خود به همان شکل که هستیم، نقش دارند اما یکی از عوامل مؤثر، پذیرفتن اشتباهاتی است که از ما سر می‌زند. پذیرش دیگران به معنای پذیرش انسان‌ها است به همان شکلی که هستند. یک عامل مؤثر دیگر در رشد مهارت خودآگاهی، پذیرش دیگران است. با وجود تمام شباهت‌ها و تفاوت‌های بین‌فردی، به نظر می‌رسد ۲ عامل زیربنایی وجود دارد که تمامی تفاوت‌ها از آنها نشأت می‌گیرند؛ یعنی تفاوت‌های ژنتیکی و توارثی و تفاوت‌های محیطی که باعث می‌شوند نتوانید هیچ دو نفری را شبیه به هم پیدا کنید. با قبول مسئولیت‌ها، در رشد اعتمادبه‌نفس و رسیدن به خودآگاهی بیشتر، گام بسیار مهمی برداشته‌اید. مسئولیت‌پذیری و درگیر شدن با مسائل مربوط به آن باعث می‌شود که به نقاط قوت و ضعف خود بیشتر پی ببریم. یکی از بزرگ‌ترین موانع در این راه ترس از شکست و اشتباه کردن است. ممکن است این پرسش در ذهن همه ما شکل بگیرد که چگونه می‌توان خودآگاهی را پرورش و توسعه داد؟ بدون شک میزان بالای خودآگاهی هر فرد نشان از شخصیت قوی او است و این توانایی را به وی می‌دهد که با هدف‌گذاری، داشتن اصالت و اعتمادسازی، بتواند آنها را هدایت کند. علاوه بر این، خودآگاهی به افراد شناخت و درک مناسبی از خودشان می‌دهد و باعث می‌شود با درک بهتر نیازهای دیگران، نقاط ضعف خود را نیز پوشش دهند که روش‌های مختلفی برای بهبود این ویژگی وجود دارد.

عکس نوشت

برای بازنگری در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نمایشگاهی از عکس‌های کمتر دیده شده مرتبط با این رویداد برپا شده است. بازدید از این نمایشگاه تا چهارشنبه دوم شهریور از ساعت ۱۶ تا ۱۹ در کاخ ملت انجام می‌شود و مراجعه به آن برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.
خبرگزاری صدا و سیما